

ادامه از صفحه اول

زفن دولت امتیاز ندارد

... در کنار اینها آزادی برخی زندانیان ازجمله بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر خاصه اسماعیل بخشی، چهره‌ای ملایم به قوه قضائیه در برابر منتقدان می‌دهد. اینها مواردی از کارهای انجام‌شده است. برای رسیدگی به کارنامه و عملکرد ریاست کوتاه‌مدت رئیس‌ی در این دستگاه موارد دیگری نیز وجود دارد که از هدف این یادداشت به دور است. صراحتا باید گفت این یادداشت درصدد دفاع از عملکرد دستگاه قضا نیست. برای انجام این امر افراد خیره و صاحب صلاحیت بسیاری وجود دارند. هدف این یادداشت تأثیر عملکرد رئیس‌ی و تغییرات قوه قضائیه بر سیاست داخلی و قوه مجریه است؛ تغییری که به اقتدار ساختار به معنای State می‌انجامد. در این میان برخی بر این باورند که عملکرد مثبت یک قوه ناخواسته ضعف قوه دیگر را آشکار خواهد کرد. اما در این میان پرسشی جدی به وجود خواهد آمد که باید به آن پاسخ داد: اگر یکی از قوا امورش را به نحو احسن سروسامان بدهد، چرا منجر به تضعیف قوای دیگر خواهد شد؟ آنچه در این پرسش باید روشن شود، این نکته بدیهی است که ساماندهی قوه قضائیه یعنی ساماندهی دستگاه قضا و اگر این ساماندهی ارزش دارد و به چشم می‌آید، صرفا در مقایسه با عملکرد خود آن قوه است، نه در مقایسه با نهادهای دیگر ازجمله قوه مجریه. شاید از نظر برخی افراد یا جریان‌ها چون آیت‌الله رئیس‌ی یکی از نامزدهای ریاست‌جمهوری بوده است، این قیاس اجتناب‌ناپذیر شده اگرچه اصالت ندارد و خسارت‌بار است و باید جدا از آن پرهیز کرد. ساماندهی قوه قضائیه بیش از هر چیز به بازسازی تصویر ذهنی از ساختار یا دولت (State) کمک می‌کند و این در جای خود بسیار ارزشمند است. «میکدال» معتقد است دولت‌ها با دو عنصر انسجام می‌یابند: تصویر ذهنی و اقدامات عملی. این دو عنصر می‌توانند در کنار هم تقویت‌کننده یکدیگر یا متعارض هم باشند. او اصطلاح تصویر ذهنی از دولت‌ها را از شیلز گرفته است. البته شیلز این اصطلاح را برای مرکز به کار می‌برد، «ترکیب‌کردن نهادهای متعددی که بازیگران آن اعمال اقتدار می‌کنند». تصویر ذهنی از دولت یک موجودیت مسلط، یکپارچه و مستقل می‌سازد که از طریق قوانین و قواعد جامعه را در کنترل خود دارد. تصویر ذهنی در مرز را فرض می‌گیرد. دولت مرزی سرزمینی میان دولت‌ها و دیگر دولت‌ها و دیگری مرزهای اجتماعی که مرز میان دولت و نهادهای عمومی است و مردمی که تحت فرامین و قوانین دولت‌ها هستند. دولت‌هایی با تصویر ذهنی کامل نماینده مردم درون مرزهایشان هستند. با این توصیف تصویر ذهنی دولت ایران قابل مقایسه با دولت‌های همسایه همچون پاکستان، افغانستان و عراق نیست. میکدال بیش از تصویر ذهنی به اقدامات عملی باور دارد. باوری که او را از فوکو، مهم‌ترین نظریه‌پرداز قدرت جدا می‌کند. میکدال مدعی است فوکو اقدامات عملی دولت‌ها و اثراتش بر تصویر ذهنی را نادیده می‌گیرد. درصورتی‌که این اقدامات عملی است که تصویر ذهنی را می‌سازد یا مخدوش می‌کند. اقدامات عملی همواره با تقویت دولت‌ها همراه نیست و گاه ناخواسته نبعات این اقدامات منجر به تضعیف دولت (state) می‌شود. میکدال شکاف میان این رابطه را با نقل‌قولی از برتراند راسل نشان می‌دهد: «در حقیقت ما دو نوع اخلاقیات داریم. اخلاقیاتی که آنها را موعظه می‌کنیم اما عمل نمی‌کنیم و اخلاقیاتی که به آنها عمل می‌کنیم اما به‌ندرت موعظه می‌کنیم».

تصور ذهنی از دولت‌ها چارچوبی مستقل دارد اما اقدامات عملی دولت‌ها متنوع و متکثر است و همواره در انتخاب عملکردها و راهبردها مناقشه‌هایی وجود دارد. با این اوصاف به چرایی ضعف دولت روحانی از منظر برخی افراد یا جریان‌ها بی‌خواهیم برد. دولت روحانی دولت مقتدری نیست چون تصویر ذهنی مقتدری از او در اذهان شکل نگرفته است. تصویر کنونی که ساخته‌وپرداخته مردم است، چندان با واقعیت منطبق نیست. قوه مجریه در این وضعیت آسیب‌پذیرتر از هر قوه دیگری است. ازاین‌رو عملکرد قوه قضائیه به‌منظور بازسازی دستگاه قضا می‌تواند اعتماد ازدست‌رفته را به مردم بازگرداند و از این رهگذر قوه مجریه نیز ارتقا خواهد یافت. آنچه باید از آن پرهیز کرد، دامن‌زدن به جریانی است که به مقایسه قوه مجریه و قضائیه منتهی می‌شود. بهره‌برداری جناحی سیاسی از این مقایسه از سویی عملکرد مثبت رئیس قوه قضائیه در بازسازی تصویر ذهنی از حکومت را مخدوش خواهد کرد و از سوی دیگر به یک نهاد انتخابی که چندین دوره در انتخابات ریاست‌جمهوری مردم را به پای صندوق رای آورده آسیب خواهد زد. تقویت نهادهای جناحی انتخاباتی مسئولیت سنگین همه جناح‌های سیاسی است. اگر این ادراک در اذهان مردم شکل بگیرد که نهادهای انتخابی همچون ریاست‌جمهوری و مجلس در این سیستم کارآمدی لازم را ندارند، به نفع هیچ‌کس نخواهد بود.

شرق: اعظم طالقانی فقط با نام پدرش؛ یعنی آیت‌الله محمود طالقانی شناخته نمی‌شود، زیرا او مستقل از پدرش یک شخصیت برجسته در عرصه سیاسی و خاصه حقوق زنان بود و تلاش‌های او در خصوص پیگیری مطالبات زنان فراموش‌شدنی نیست. طالقانی علاوه‌بر اینها به‌شدت بر امر انتخابات نیز تأکید داشت و با نامزدشدن در انتخابات‌های متعدد سعی می‌کرد در وهله نخست امکان ریاست‌جمهوری برای زنان را به‌عنوان یک حق دنبال کند و در وهله دوم انتخابات را به‌عنوان مهم‌ترین راه نیل به دموکراسی معرفی کند. افزون‌بر اینها سابقه روشن او در حوزه مطبوعات هم از یاد نمی‌رود. این مبارز انقلابی پیش از انقلاب و فعال سیاسی بعد از انقلاب شامگاه چهارشنبه به دیار حق شتافت و صبح پنجشنبه با حضور دوستدارانش تشییع شد.

احمد زیدآبادی، تحلیلگر و فعال سیاسی، باور دارد که اعظم طالقانی یکی از مهم‌ترین نیروهای سیاسی زن محسوب می‌شود. او درباره شخصیت طالقانی به «شرق» گفت: «فعالیت‌های سیاسی پیش از انقلاب خانم طالقانی زیر سایه مبارزات پدر بود، به همین دلیل هم زندانی شد. البته شایعاتی درباره شکنجه او هم مطرح بود و معمولا افرادی که قصد تهییج معترضان نظام پیشین را داشتند به شکنجه خانم طالقانی استناد می‌کردند که معلوم شد شکنجه او تنها شایعه بود و مصداق نداشت، او زندان رفتن خانم طالقانی واقعیت داشت و او را به یکی از مشهورترین چهره‌های زن سیاسی ایران تبدیل کرده بود. بعد از انقلاب هم به مجلس اول وارد شد و با فراکسیون‌ی غیررسمی که نیروهای ملی‌مذهبی در آن فعال بودند، همکاری می‌کرد. بعد از آن برای چند انتخابات ثبت‌نام کرد که با ردصلاحیت مواجه شد». این فعال سیاسی در پاسخ به این پرسش که نقش و تأثیر اعظم طالقانی در حوزه حقوق زنان چقدر بود، اظهار کرد: «او یک زن مسلمان و معتقد بود که نگاه حقوق زنان را از منظر دینی دنبال می‌کرد. خانم طالقانی تفسیر با تکیه بر قرآن و متون فقهایی به برابری حقوق زنان با مردان باور داشت و برای مثال درباره بحث متعه نگاه و تفسیر متفاوتی از آنچه رایج است داشت. او پیش از آنکه به این میزان بحث حقوق زنان رایج شود، در این زمینه فعالیت می‌کرد». زیدآبادی درباره محدودیت‌هایی که بر طالقانی اعمال شد، گفت: «من از سال ۶۲ که به تهران آمدم، با مؤسسه و نشریه‌ای که خانم طالقانی داشت آشنا بودم. او نشریه‌ای درمی‌آورد که

اعظم طالقانی در جریان تظاهرات ۱۳۵۷

اعظم طالقانی در آخرین گفت‌وگوی رسانه‌ای خود با سعید گیوی آنرا، خبرنگار پایگاه اطلاع‌رسانی جماران، گفت‌وگو کرده بود که روز گذشته هم‌زمان با مراسم تشییع و خاک‌سپاری ایشان منتشر شد. او در این مصاحبه درباره مجلس اول سخن گفته که خلاصه آن در ادامه می‌آید:

■ خوشحالم که امروز رئیس‌جمهور به این نتیجه رسیده، شاید هم قبل‌ر رسیده بود و من اطلاع نداشتم که مجلس دوره اول با حضور دگردنیشان و کسانی که سوابق انقلابی داشتند، در حفظ و توسعه انقلاب نقشی مؤثر داشته است. این خود مایه امید است که آقای روحانی پس از سال‌ها به چنین نتیجه‌ای رسیده است، زیرا خود ایشان نیز در آن دوره نماینده مجلس و شاهد بسیاری از مسائل بود.

■ به‌هرحال مسئله‌ای که آقای رئیس‌جمهور مطرح کرد، از قبل هم قابل پیش‌بینی بود و ما در آن مقطع می‌دانستیم که در آینده افسوس این‌دوران را همه خواهیم خورد. در آن زمان تلاش‌هایی که برای مادیات و گرفتن حقوق‌های بالا بود، زیاد به چشم نمی‌خورد. اکثر نمایندگان مجلس اول افرادی بودند که حقوق دریافتی‌شان تأثیری در زندگی‌شان نداشت و حتی اگر نیازمند هم بودند احتیاجی نداشتند. نمایندگان آن دوره مجلس، یک روحیه با ممانعت طبع داشتند و نگران حقوق مردم بودند و می‌ترسیدند از اینکه حقوق مردم محقق نشده و آنها کم‌کاری کرده باشند.

■ من به‌صورت انفرادی وارد مجلس شدم. به‌همین‌دلیل اعتقادم بر این است که نماینده باید رزومه و سوابقش به‌گونه‌ای باشد که مردم او را از همه ابعاد شناخته باشند؛ نه اینکه فقط از سوی یک حزب معرفی شده باشد. البته اینکه فرد معرفی‌شده از سوی حزبی باشد، اشکالی ندارد، اما احزاب به‌دلیل برخی ملاحظات

سیاست

روایت احمد زیدآبادی و طیبه سیاوشی از اعظم طالقانی

وداع اعظم



به واقع در عصر خود تنها نشریه منتقد محسوب می‌شد و در آن نشریه دیدگاه‌های روشنفکرانه فعالان ملی‌مذهبی انتشار می‌یافت و با خوانش سیاسی رایج زویه داشت. حتی خود من در آن نشریه سلسله‌مطرزهایی با نام مستعار می‌نوشتیم که یک‌بار به دلیل یادداشتی با موضوع انتقاد به نحوه برخورد کمیته‌ها با زنان بدجواب مشکلاتتی ایجاد شد و خانم طالقانی را تحت فشار قرار می‌دادند که نام نویسنده را فاش کند که ایشان هیچ‌گاه نام من را فاش نکرد. حتی یادم می‌آید گاهی که سرب‌سره خانم طالقانی می‌گذاشتم، او به شوخی می‌گفت نامت را افشا می‌کنم! به‌هرروی او در رزمه شاخص‌ترین زنان سیاسی و یکی از نیروهای مهم ملی‌مذهبی بود. خانم طالقانی گرچه نگاه منتقدانه‌ای داشت، اما بعد از انقلاب با گروه‌های مختلف ستیزه‌جویانه برخورد نمی‌کرد و سعی می‌کرد حداکثر تعامل را با نیروهای مختلف داشته باشد، هرچند در نهایت نشریه‌اش توقیف شد و محدودیت‌های زیادی بر حضور او در سخنرانی‌ها و محافل سیاسی اعمال شد. او همواره زبان ناصحانه‌ای داشت. زیدآبادی درخصوص اندیشه آیت‌الله طالقانی و فرزندش در زمانه کنونی تصریح کرد: «نیروهای ملی‌مذهبی بعد از دوم خرداد سال ۷۶ آرام‌آرام داشتند به اوج می‌رسیدند و موقعیت پیدا می‌کردند، اما بعد از مدتی با ایشان برخورد شد و برخی از نیروهای آنان به زندان رفتند و برای دیگران محدودیت‌های زیادی اعمال شد. در سال‌های اخیر هم به دلیل آنکه اصلاح‌طلبان هیچ استراتژی مشخصی ندارند موج اجتماعی بزرگی علیه نیروهای اصلاح‌را ایجاد شده است و به‌هرحال نیروهای ملی‌مذهبی در شرایط فعلی در انزوا به‌سر می‌برند. البته این

اعظم طالقانی در آخرین گفت‌وگوی رسانه‌ای با جماران:

من امروز تنها به‌دنبال منافع ملی هستم

دوره‌های دوم و سوم نیز که نظارت استصوابی آمد،

طور دیگری برخورد می‌شد و تنها در حد سفارش به کاندیدایها و توصیه‌های دیگر بود و گزینشی به شکل امروز نبود. فاصله ثبت‌نام ما با انتخابات بیشتر از یکی، دو ماه نبود.

■ جالب اینجا بود که به‌دلیل سابقه پدرم با سازمان مجاهدین و سوابق خودم که به‌خاطرش به زندان افتاده بودم، برخی نماینده‌ها بعد از اینکه پیشنهادهایی به مجلس ارائه می‌دادم یا هنگام دفاع از برخی طرح‌ها، بلند می‌شدند و می‌گفتند «امان از دست این منافق‌ها! این پیکاری‌ها و...» من نیز ساکت می‌نشتم و جوابشان را نمی‌دادم، چون می‌دانستم این رفتارها ارزش پاسخ‌گویی ندارد. تاریخ خود بیانگر واقعیت‌هاست و همه‌چیز را بیان می‌کند.

■ حتی در برهه‌ای وقتی آقای معین‌فر سخنرانی می‌کرد، به‌دلیل درگیری با یک نماینده، آستین کشش پاره شد؛ اما با اینکه یک عده بد و بیراه می‌گفتند، امثال آقایان سبحانی، بازرگان و... سکوت می‌کردند و اهل جواب‌دادن نبودند. هر لایحه‌ای که می‌آمد باید روی آن کار می‌کردم. خودم هم طرح‌های زیادی دادم منتها بیشتر راجع به زنان سرپرست خانوار، امنیت بعد از طلاق و... بود که تنها دو طرح رای آور و یادم نیست کدام‌ها بودند. نامه نمی‌رود وقتی این دو پیشنهادم رای آورد، نیروهای سپاه که در راهروی مجلس بودند، به من تبریک گفتند.

■ مجلس اول مجلس بسیار شلوغی بود؛ مثلاً تا

توضیح محمود صادقی درباره دادگاه امروزش:

در چار چوب قانون جرم سیاسی، تقاضای رسیدگی می‌کنم

مشخص نیست که مصونیت پولادین برخی از نمایندگان در مقابل قانون تا کجا ادامه دارد؛ درحالی‌که کریمی‌قدوسی، نماینده مشهد و نزدیک به جریان پایداری، در مجلس در یک سخنرانی در قم، رئیس‌جمهوری و رئیس مجلس را جاسوس دانسته بود.

اولین مصداق جرم سیاسی؟

اما آیا صادقی خود مشمول قانونی که از طراحان آن بوده است، خواهد شد؟ قانون جرم سیاسی از سال ۹۵ تاکنون مصداقی نداشته و بهارستانی‌ها به همین دلیل حتی طرح اصلاح آن را نیز تدوین کردند؛ طرحی که در نوبت بررسی کمیسیون قضائی است.
باین‌حال، صادقی اعتقاد دارد از قانون جرم سیاسی سال ۹۵ نیز در شرایط فعلی می‌توان استفاده کرد. او می‌گوید: «۱۳ یا ۱۴ مورد در دادگاه کارکنان دولت مطرح است که شاکتی پنج مورد آنها یکی است و مرتبط با دوره‌های دولتی است. آنجا درخواست کردیم که اتهام‌ها مشمول قانون جرم سیاسی است؛ اما دادگاه قرار رد صادر کرد. به حکم نیز اعتراض کردیم و در دادگاه تجدید نظر نیز نظر دادگاه بدوی تأیید شد».
صادقی ادامه می‌دهد: «رسیدی به این اتهام باید در چارچوب قانون جرم سیاسی انجام شود. فردا نیز تقاضا می‌کنیم این اتهام در چارچوب جرم سیاسی رسیدگی شود. به‌تازگی نیز اعلام شد آیت‌الله رئیسی دستور تشکیل هیئت منصفه جرائم سیاسی را داده‌اند». او البته تأکید می‌کند: «البته این اتهام را قبول نداریم و فردا نیز از آن دفاع خواهیم کرد؛ چراکه این اتهام به کسی است که همه وجود خود را برای برپایی و حفظ اقتدار نظام گذاشته است. بنابراین این اتهام‌ها به ما نمی‌چسبد؛ چراکه در چارچوب قانون اساسی و اجرای قانون اساسی، نماینده شده‌ایم. اگر نقدی هم وجود دارد، به موارد نقض قانون اساسی بوده و تمام فعالیت‌های ما برای دفاع از نظام و اصولی است که نظام بر آن استوار است.»

موج موقتی است که ترکش‌هایش به نیروهای ملی‌مذهبی هم بر خورد کرده. تصور می‌کنم اگر قرار باشد در آینده هم شاهد وجود تفکرات دینی باشیم، بخش بزرگ جامعه به سمت تفکرات آیت‌الله طالقانی و کسانی که مانند او می‌اندیشند، اقبال نشان دهند تا در پرتوی یک آرامش متافیزیکی بتوانیم یک زندگی مدرن را تجربه کنیم. در مقطع کنونی با برخی اساسا عنصر دین را نادیده می‌گیرند و به مدرنیته افراطی توجه می‌کنند یا برخی آن‌قدر بر باورهای ایمانی تأکید می‌کنند که هر عنصری غیر از آن را منکر می‌شوند.»

سیاوشی: اعظم طالقانی هم یک کنشگر سیاسی و هم یک کنشگر اجتماعی بود

طیبه سیاوشی، نماینده مجلس، هم درباره زمینه فعالیت اعظم طالقانی به «شرق» گفت: «خانم طالقانی از پیشگامان دفاع از حقوق زنان بود و برای رفع نابرابری تلاش بسیار کرد. البته باید یادآور شوم که این تلاش‌ها فقط منحصر به حوزه قانون نبود، بلکه در حوزه‌های اجتماعی با مؤسساتی که ایجاد کرد نقش مؤثری داشت؛ یعنی در حوزه اجتماعی به شکلی عملی وارد شد و صرفا یک فعال سیاسی محض نبود؛ در حقیقت خانم طالقانی، هم یک کنشگر سیاسی و هم یک کنشگر اجتماعی بود. او در صحنه مطبوعات هم به خوبی درخشید و تأثیرگذار بود. باید تأکید کنم که حرکت رو به جلوی زنان که از بعد از انقلاب آغاز شد، م‌رهون اقدامات و تلاش‌های افرادی مانند خانم گرجی و طالقانی است، زیرا خانم گرجی در مجلس خبرگان و خانم طالقانی در مجلس شورای اسلامی برای رفع نابرابری‌ها تلاش‌های بسیاری کردند که از چشم اقشار مختلف جامعه، پنهان نمانده است. زحمات این زنان قابل تقدیر و غیرقابل‌انکار و چشم‌پوشی است». این نماینده مجلس درباره مراسم تشییع اعظم طالقانی هم اظهار کرد: «ارادت و احترام به خانم طالقانی را می‌شود در مراسم بدرقه او دید. حضور افراد و اقشار مختلف سیاسی، از ملی‌مذهبی‌ها تا اصلاح‌طلبان و حتی افرادی که به اعتدال‌گرایی معروف‌اند در مراسم تشییع او نشان می‌دهد که خانم طالقانی حلقه اتصال بودند و جناح‌های مختلف در مراسم دیروز حضور داشتند که نشان از قدردانی همه افراد از زحمات این بانو بود؛ درحاتی که در مراسم نیز نمود داشت و کل مراسم توسط زنان و به خوبی و به شایستگی برگزار شد که نکته مثبت و تامل‌برانگیزی در مراسم بدرقه این بانوی مبارز بود.»

اعظم طالقانی در مراسم تشییع و خاکسپاری در تهران

آقایان یزدی، بازرگان و سبحانی می‌آمدند از حقوق ملت یا آزادی حرف بزنند، بلافاصله سروسودا بلند می‌شد. گاهی اوقات بعضی نمایندگان که شاید دگرزنگه نباشند یا اگر هم باشند در سنین بالایی هستند، به آنها بد و بیراه می‌گفتند. درگیری زیاد بود ولی در هنگام رأی‌گیری با اینکه بسیاری نمایندگان ساکت بودند، اما متوجه حرف‌های مطرح‌شده بودند و رای خود را بر مبنای درکی که از موضوع داشتند، می‌دادند؛ نه چیز دیگر. ■ باید دید این مواردی که در قانون اساسی آمده چند درصدش اجرائی شده است، واقعا اجرا نشده، این درحالی است که قانون اساسی را هم نمی‌توانند تغییر دهند مگر با فرارندوم، فصل سوم قانون اساسی و اینکه همه در برابر قانون برابرند جزء اصول مرفقی است. پس نتیجه می‌گیریم که یک نسل مرفقی در مجلس خبرگان قانون اساسی حضور داشتند که این قانون را در در آن دوره تصویب کردند.

■ آقای هاشمی از رفقای پدر من بود و قبل از انقلاب در برخی اردوها با همدیگر بودیم و از افکار هم استفاده می‌کردیم؛ بنابراین هیچ درگیری و دشمنی‌ای با هم داشتیم و حق داشتیم از هم انتقاد کنیم؛ اما فضا طوری بود که می‌توانستیم انتقاد کنیم، همین‌هایی که امروز مطالبی را بارگو می‌کنند و تغییر رفتار داده‌اند، به ما می‌گفتند؛ «قصد تضعیف داریم»، درصورتی‌که اگر می‌گذاشتند نقد و امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را انجام دهیم، وضع چنین نبود. ■ من امروز تنها به‌دنبال منافع ملی هستم. هرکسی به‌دنبال منافع ملی و حفظ این ملت، مملکت و دین و آیین باشد، راجش را درست می‌رود. ■ آقای خاتمی در اخلاق و رفتار به پدرم شباهت دارد و این قابل کتمان نیست. ایشان بسیار صبور و باحوصله و حلیم است.

خبر

تسلیم رئیس‌جمهور به مناسبت درگذشت اعظم طالقانی

● **ایسنا:** رئیس‌جمهوری در پیامی با تسلیت درگذشت مرحومه خانم اعظم طالقانی بانوی پرتلاش و انقلابی و دبیرکل جامعه زنان انقلاب اسلامی، از درگاه احدیت برای ایشان رضوان الهی و هم‌جواری با صالحان و برای بازماندگان صبر و سلامتی مسئلت کرد.

اعظم طالقانی در مراسم تشییع و خاکسپاری در تهران

ادامه از صفحه اول

طالقانی؛ بانوی فرهیخته رجل سیاسی

در دو جبهه فرزند تربیت کرد؛ در منزل فرزندان خوش را و در مدرسه فرزندان مردم را.

اعظم علایی طالقانی به موازات این فعالیت‌های تحصیلی و آموزشی و تربیتی، در فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی و مبارزاتی هم بسیار کوشا بود. کش‌های سیاسی او که ناشی از آموزه‌های پدر و احساس مسئولیت دینی و انسانی و ملی‌اش بود، او را به سیاهچال‌های پر از سختی و شکنجه و فریاد رژیم پهلوی کشاند و او را اسیر ذخیمانی کرد که نمی‌خواستند او را در صحنه اجتماع ببینند و زن مؤمنه را فقط به همسرداری و خانه‌تثینی و رسیدگی به فرزندان فرمان می‌دادند؛ فرمان نه از نوع حاکمان دینی و که زیر شلاق و شکنجه و شیون. اما این شیرزن، مجاهد فی‌سبیل‌الله و یک بانوی قدربرافراشته در مقابل ستمگران و زورمندان و واپسگرایان بود؛ او اعظم طالقانی بود.

این قهرمان مبارز و متواضع و محجوب، با پیروزی انقلاب اسلامی، کار را پایان یافته تلقی نکرد و بی‌کار ننشست. ابتدا برای سازماندهی و به‌تشکیل‌درآوردن زنان و دختران فعال در عرصه مبارزه و انقلاب، تشکل سیاسی فرهنگی «جامعه زنان انقلاب اسلامی» را بنیان نهاد و تا امروز که ۴۰ سال از آن می‌گذرد، این حزب را زنده نگه داشت. اما چون در کشور ما تحزب و تشکل‌گرایی زمینه رشد و فعالیت دامنه‌دار و فراگیر ندارد و بنایان هر حزب و گروه و دسته باید با چنگ و دندان از تشکل خود محافظت کنند، خانم طالقانی هم در این زمینه پایدیری نشان داد و توانست تعدادی از علاقه‌مندان به خود را در جامعه زنان انقلاب اسلامی نگه دارد. همچنین در مواقع لازم، به‌ویژه هنگامی که می‌دید باید مردم را به صحنه بکشاند یا موضعی را اعلام کند یا تحرک جدیدی ضرورت پیدا کند، وارد عرصه می‌شد و بعد از آن برای مشارکت بیشتر در امور کشوری خود را نامزد نمایندگی اولسین دوره مجلس شورای اسلامی کرد و با رای قاطع مردم تهران به مجلس راه یافت و به‌مدت چهار سال در بهترین دوره مجلس شورای اسلامی بعد از انقلاب حضور پررنگی داشت.

خانم طالقانی در بستر جامعه زنان انقلاب اسلامی از ابتدای تششکیل آن به فعالیت‌های فرهنگی می‌پرداخت، کلاس آموزشی تشکیل می‌داد و تفسیر قرآن می‌گفت و در تربیت زنان آزاداندیش و خوش‌فکر تلاش می‌کرد. از همین‌جا بود که به فکر انتشار نشریه افتاد و ماهنامه پیام هاجر را با مطالبی سودمند و علمی و آموزنده وارد بازار مطبوعات کرد. این مجله باارزش در مدت ۲۳ سال منتشر شد تا اینکه هنگام تعطیلی تعدادی از روزنامه‌ها و نشریات اصلاح‌طلب در سال ۷۹، تعطیل شد. تعطیلی این مجله باعث نشد که خانم طالقانی از فعالیت مطبوعاتی و روزنامه‌نگاری دست بردارد، بلکه با مرارت‌ها و دوندگی‌های زیاد توانست مجوز انتشار ماهنامه معتبر و خوب «پیام ابراهیم» را دریافت کند. از مرداد ۱۳۹۳ پیام ابراهیم منتشر شد، اما مشکلات مالی به این بانوی بزرگوار اجازه نمی‌داد که این نشریه ارزشمند را هر ماه به دست علاقه‌مندانش برساند، بنابراین پیام ابراهیم از آغاز انتشار تا آبان ۹۸، یعنی چند روز پیش از درگذشت خانم طالقانی، فقط ۳۵ شماره منتشر شد. نکته درخرو توجه اینکه، این بانوی بزرگوار و پرمحبت برای دریافت مقاله و یادداشت از نویسندگان و روزنامه‌نگاران، خودش تماس می‌گرفت و موضوع کلی هر شماره را پیشنهاد می‌داد. نگارنده نیز چند باری توفیق این را داشت که به دستور و پیشنهاد او برای نگارش مقاله، پاسخ مثبت دهد.

زنده‌یاد اعظم علایی طالقانی از هر راهی که ممکن بود و به هر وسیله مشروعی که در اختیار داشت، حتی با چندین مرتبه نامزدشدن برای ریاست‌جمهوری، چرخش آن را به مسئولان کشور می‌رساند تا هم از حقوق مردم و محرومان دفاع کند و هم دیدگاه انسانی و اسلامی خویش را به جامعه و افکار عمومی منتقل کند. او پس از یک دوره بیماری، عصر روز چهارشنبه، هشتم آبان ۹۸، دنیای پر از رنج را واگذاشت و به ملکوت اعلا پا گذاشت. رحمت الله علیها.